



سیر فراه گرفتن علم ودانش زنان افغانستان



طوریکه احصایه مرکزی افغانستان در سال ۱۳۹۷ اعلان کرد نفوس افغانستان ۳۱.۶ میلیون در داخل خاک است که ۱۵.۴ میلیون آن را زنان و ۱۶.۱ میلیون آن را مردان می‌سازند. بدین معنی که زنان نصف جامعه را تشکیل می‌دهند. که در بسیاری فامیلهای زنان نان آور خانه است. در دولت قبلی زنان عضو فعال جامعه بوده حق تحصیل کار را داشته از اینطریق به جامعه خدمت می‌کردند.

ولی طوریکه هویداست دولت سرپرست امارت اسلامی دانست سیستم دولت طالبی را جهان نمی‌پذیرد خواست بالای زنان فشار وارد کنند تا جامعه بین المللی بتواند خواسته های آنرا بپذیرد. ولی جهان به اساس توافق نامه که طالبان با امریکا امضا کرده بودند باید طالبان یک دولت همه شمول را که تمام افغانها در آن سهم داشته باشد بسازد. در غیر تعدادی در لست سیاه بوده و دولت امارات یک دولت غیر شرعی و رسمیت ندارد. این قضیه در سطح ملی و بین المللی یکی از مهمترین عوامل نارضایتی از نظام کنونی محسوب می‌گردد. آگاهان بر آن اند که هرگونه تصمیم در این مورد برای نظام فعلی سرنوشت ساز خواهد بود.

طور که معلوم گردید طالبان یکسال و چند ماه را سپری نمود ولی موضوع در همان حالت اولی اش باقی مانده بود. مهتر اینکه در ماه قوس سال ۱۴۰۱ طالبان نه تنها درواز پوهنتونها را بست بلکه کار زنان را در دفاتر ممنوع قرار داد. درین مورد نه تنها مردم بلکه تعدادی از طالبان نیز اعتراضات خود را نمودند ولی تاثیر ننمود. معلوم میشود این دستور را ملا هیبت اله داده و شاید ملا هیبت اله از جای دیگر دستور می‌گیرد. بدین وسیله به خاطر خواست خود مردم به گروگان گرفته اند.

در مقایسه با طالبان یک تفاوت بزرگ در دیگر دولت های اسلامی مشاهده میشود. اینکه دیگر کشورهای اسلامی اسلام را در خدمت وطن نهاده اند. ولی طالبان وطن و مردم را قربانی دین نموده اند. که کاری است نادرست. جهان دین را آنچه که به مفاد وطن باشد برای مردم آسایش به آفریند قربانی می‌کند. چنانچه سرپرست وزارت تحصیلات عالی ملا ندا محمد ندیم گفته است «اگر به آبادی و تمدن توجه می‌کردیم، اسامه بن لادن را به امریکا

می‌دادیم و به زن‌ها آزادی می‌دادیم. جنگ بیست ساله نبود و طالبان هم سرکار می‌یوند الله اجازه نمی‌دهد که خواهشات کفار را قبول کنیم». وی می‌گوید طالبان خواهان تمدن نیستند. به نظر من آنچه که طالبان می‌خواهد در آینده پذیرفته نشود نه تنها فشار بالای زنان بلکه بالای مردان نیز وارد خواهند نمود. گمان می‌کنم روزی خواهد رسید کشتن دست و پای قطع کردن شلاق زدن سنگسار در میدانی‌ها جاری خواهد شد. ریش پیراهن تنبان معیار خواهد شد. در مساجد از مردم حضری گرفتن معمول خواهد شد. حتی در سرک کوچه بازار طالبان از مردم سوالات دینی نموده در صورت ندانستن مردم را به سیلی زدن، شلاق زدن و زندان‌ها کشانیده خواهد شد. بدین ترتیب طالبان یک دولت غیر مردمی را بنا خواهد نمود که به جز مردم آزاری دیگر مقاصد نخواهد داشت.

آموزش تعلم و تربیه در اسلام برای زنان

شمار دانشمندان زن و زنان با سواد در تاریخ نظام آموزش اسلامی در مقایسه با مردها کمتر است که قبلاً در افغانستان بخصوص در قریه جات و ولسوالی‌ها سبغه تنها اسلامی نداشته دیگر وریانت وجود داشت که آموزش زنان را محدود ساخته بود. ولی طالبان شرعاً آموزش را برای زنان ممنوع قرار داده است.

بعضی‌ها پنداشته‌اند در اسلام محدودیتی درباره تحصیل زنان و دختران وجود دارد. زنان دانشمندی که کم و بیش نامشان در تاریخ برده شده به طور غیر رسمی تحصیل کرده‌اند. برای رفع این معضله طرح دو سؤال و پاسخ به آن‌ها ضرورت دارد:

۱. آیا در اسلام تحصیل علم و دانش تنها به مردان اختصاص دارد و یا شامل زنان هم می‌شود؟

۲. آیا آموزش در میان زنان و دختران مسلمان در طول تاریخ - بخصوص در صدر اسلام - یک شیوه رایج بوده است؟ جواب این سوال را بشرح می‌نویسم.

زن و تحصیل علم

اسلام مرد و زن را در تدبیر شؤون زندگی به وسیله اراده و کار، مساوی می‌داند از این رو هر دو در تحصیل احتیاجات زندگی و آنچه مایه حیات انسانی است یکسان می‌باشند. زن می‌تواند همانند مرد مستقلاً کار کند و مالک نتیجه کار و کوشش خود شود. در صدور فرمان الهی فرقی بین زن و مرد نیست مگر در احکامی که مخصوص به یکی از ایشان است.

تحصیل علم و کسب دانش نیز از احکامی است که زن و مرد در آن مشترک می‌باشند و هرگز دین اسلام جنس را سد راه دانش اندوزی نمی‌داند. در هر امری که مرد استقلال دارد، مانند ارث، کسب، معامله، تعلیم و تربیت و دفاع از حقوق و غیره زن هم مستقل بوده حقی دارد.

بررسی آیات و روایات در مورد آموزش زنها

تمام آیات و روایاتی که درباره تحصیل علم و دانش وارد شده، همانند «یاایهاالناس» ای مردم و «یاایهاالذین آمنوا» ای کسانی که ایمان آورده‌اید که عمومی است. و شامل زن‌ها هم می‌شود.

اسلام «علم» را نور و «جهل» را ظلمت و علم را بینایی و جهل را کوری می‌داند. در قرآن آمده است:

قل هل يستوى الاعمى والبصير ام هل تستوى الظلمات والنور... بگو آیا چشم نابینای جاهل و دیده بینای عالم یکسان است؟ آیا ظلمات و تاریکی جهالت بانور علم و معرفت مساوی است؟

در آیه دیگر آمده است:

هل يستوى الذين يعلمون والذين لا يعلمون انما يتذكر اولوا الالباب
آیا آنان که به سلاح علم مجهزند با آنان که با جهل و نادانی دست به گریبانند، با هم برابرند؟ فقط اندیشمندان تفاوت این دو گروه را درک می‌کنند و امتیاز آنان را باز می‌یابند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرموده‌اند:

«طلب العلم فريضة على كل مسلم»

وقتی علم در دیدگاه اسلام نور و بینایی است دستیابی به آن بر هر مسلمانی فرض است. آیامی‌توان گفت که از نظر اسلام تنها بر مردها لازم شده که از ظلمت‌خارج شوند و به روشنایی برسند، اما زنان چنین وظیفه‌ای ندارند و باید همچنان در ظلمت جهل و نادانی باقی بمانند؟!

آیه دیگری درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

يتلوا عليهم آياته و يزرّكهم و يعلمهم الكتاب والحكمة...

به شما: پیامبر آمده است که آیات قرآن را بر مردم بخواند و روح آن‌ها را تزکیه کند و به آن‌ها کتاب و حکمت بیاموزد.

در آیه «تزکیه» و «تعلیم» با هم ذکر شده و به صیغه مذکر آمده است. آیا می‌شود یزکیهم و یعلمهم را منحصر به مردان دانست؟!

فقها می‌گویند بعضی عمومات و کلیات از «تخصیص» ابا دارد و لحن و بیان به گونه‌ای است که قابل تخصیص نیست و مطلب آن‌چنان است که برای عقل قابل تبعیض و تفریق نمی‌باشد. مثلاً درباره علم و تقوی آمده است:

آیا کسانی که دانا و عالم هستند با کسانی که نادان و جاهلند، مساوی هستند درباره «تقوا» هم گفته شده:

«ام نجعل الذين آمنوا و عملوا الصالحات كالمفسدين في الارض ام نجعل المتقين كالفجار»

آیا آنهایی که ایمان دارند و عمل صالح انجام داده‌اند، آن‌ها را مانند فساد انگیزها

قرار می‌دهیم و آیا پرهیزگاران و فاسقان را مانند هم قرار می‌دهیم؟

و باز فرموده:

ان اكرمكم عند الله اتقاكم - در همه این موارد صیغه‌ها مذکر است. آیا می‌توان ادعا کرد، آنچه درباره «تقوا» گفته شده اختصاص به مردها دارد و شامل زنان نیست؟ در این صورت زن‌ها باید از کلیه احکام و فرایض معاف باشند.

همچنین آیا می‌توان گفت فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «طلب العلم فريضة على كل مسلم» چون «مسلم» مذکر است تعبیر «كل مسلم» آیا شامل زنان نمی‌شود؟ ولی

اینطور نیست.
طالب‌العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة»
تحصیل علم برای تمام مردان و زنان مسلمان واجب است.

گفتار های رهبران طالب در مورد بازگشای مکاتب و کار زنان در دفاتر

سرپرست اسبق وزارت معارف به تاریخ ۲۰ سنبله سال ۱۴۰۱ در ولایت ارزگان در یک نشست خبری گفت که علت باز نشدن مکاتب دختران را محدودیت‌های فرهنگی میدانند. وی گفت: در مناطق دور افتاده مردم نمی‌خواهند که دختران جوان خود را به مکاتب بفرستند. در حالیکه ما نمی‌توان شهرها را با قریه مقایسه نمود. در زمان کرزی در هر ولایت قریه و ولسوالی مکاتب دختران فعال و به درس خواندن می‌آمدند. ولی پس از تهدید طالبان بسیاری از مکاتب در قریه‌ها مسدود شدند.

شیر محمد عباس ستانکزی معاون سیاسی وزارت خارجه در یک گردهمایی در کابل مؤرخ ۵ میزان سال ۱۴۰۱ خواستار بازگشایی هر چه زودتر مکاتب دخترانه گردید. وی گفت: که تعلیم بر مرد و زن فرض است و در برابر تعلیم دختران هیچ مشکل شرعی وجود ندارد. ولی در همین گردهمایی وزیر سرپرست وزارت امر به معروف اظهارات وی را رد کرده و تعلیم عصری را مباح خواند. از اظهارات وی چنین برمی‌آید که مکاتب دخترانه به فرمان امیر امارت اسلامی بسته شده، چون گفت که تطبیق حکم امیر در مقابل یک عمل مباح واجب است.

پیشینه تعلیم دختران در افغانستان

در قرن گذشته زمان که مکاتب دختران در شهرها ایجاد شد بنام مکاتب مستورات یاد می‌گردید که از صنف اول الی ۱۲ آراسته با چادری بوده معلمین آنها زنان ترکی و بعضاً مولوی‌های ریش سفید و بعداً بکلی زنان افغانی بودند. تا آنکه در سال ۱۳۴۰ تنها دختران کابل یونیفورم مکتب را می‌پوشیدند که با مشکلات زیادی مواجه بودند. عده با پاشیدن تیزاب مواجه می‌شدند. حتی برای زنان شفاخانه در پل محمود خان بنام مستورات بود که در مراحل اول همشیره‌های کلیسا از کشورهای خارج همکاری داشتند تا آنکه یک تعداد از صنف ۹ فارغ شده با سپری نمودن ۹ ماه کورس نرسنگ دیپلوم بدست آورده به صفت نرس ایفای وظیفه مینمودند.

برای اولین بار در زمان سلطنت امیر امان‌الله خان برای دختران زمینه تعلیم برابر شد. اولین مکتب ابتدایه دختران در سال ۱۲۹۹ در کابل افتتاح گردید. تعداد شاگردان در آن زمان به ۴۰ دختر می‌رسید. امیر امان‌الله خان در زمان سلطنت خویش نه تنها در داخل افغانستان برای دختران زمینه تعلیم را مساعد نمود بلکه یک تعداد از دانش‌آموزان دختر را به خارج جهت کسب علم فرستاد. در سال ۱۳۰۷ حبیب‌الله کلکانی در زمان حاکمیت ۹ ماهه خویش مکاتب دختران را بست. خروج زنان بدون محرم را نیز ممنوع کرد و فرمان صادر نمود که آن‌عده دختران که در زمان امیر امان‌الله خان جهت تحصیل به خارج

رفته‌اند باید دوباره به وطن برگردند. مورخین بر این باورند که نادر خان با در نظر داشت تجربه دوره امان الله خان تعلیم و تحصیل دختران را ممنوع اعلان کرد تا از بوجود آمدن مشکلات در برابر حاکمیت خویش جلوگیری کند.

در دوره ۴۰ ساله حکمرانی محمد ظاهر شاه یک بار دیگر زمینه برای تحصیل و پیشرفت زنان مساعد گردید و به لحاظ سیاسی نیز برای اولین بار زنان تا مقام وزارت و وکالت رسیدند؛ باز هم این پیشرفت‌ها تا حد زیاد به شهرهای بزرگ محدود بود. جهت مجسم نمودن تصویری از تعلیم زنان در آن زمان، به احصائیه دانش‌آموزان دختر در سال ۱۳۳۶ اشاره می‌توان که در مناطق اطرافی شمار دانش‌آموزان دختر تا ۱۵۳ نفر می‌رسید، ولی این تعداد در اواخر دوره حکمرانی ظاهر شاه (۱۳۴۸) در تمام افغانستان به ۱۰۴۵۰ افزایش یافت که در ۱۷۳ مکتب مصروف تعلیم بودند. این وضعیت در سال ۱۳۵۲ به اثر به میان آمدن اولین نظام جمهوری و بعداً در سال ۱۳۵۷ با به وجود آمدن نظام‌های تحت حمایت شوروی سابق با فراز و نشیب‌هایی روبرو شد.

در دوران چهار ساله مجاهدین که در افغانستان جنگ داخلی به شدت جریان داشت، نیز تعلیم دختران متوقف نگردید؛ ولی بر اساس فتوای صادر شده، تعلیم و کار مختلط پسران و دختران ممنوع گردید. در این دوره به اثر مشکلات امنیتی زنان نمی‌توانستند با خاطر آرام به تعلیم و کار پردازند. در سال ۱۳۷۵ با روی کار آمدن نظام طالبان، همه چیز تغییرات بینادی یافت و محدودیت‌های فراوانی در مورد تعلیم و کار زنان وضع گردید. در سال ۲۰۰۱ بعد از حوادث یازده سپتامبر نظام طالبان از بین رفت و نظام جدیدی روی کار آمد، و بار دیگر کشور شاهد دگرگونی‌های بزرگی شد. زمینه برای تعلیم و کار زنان به پیمان‌ه وسیعی الی اگست سال ۲۰۲۱ مهیا گردید؛ ولی باز هم در این دوره افراط و تفریط حاکم بود؛ بیشتر در شهرهای بزرگ که از جمعیت بزرگ برخوردار بودند بیشترین شاگردان را داشتند. این در حالی بود که در اطراف و مناطق دور افتاده زنان با زندگی بسیار سخت دست و پنجه نرم می‌کردند و اکثراً به اثر مشکلات امنیتی از کسب تعلیم بی بهره ماندند.

اگر در بیست سال گذشته به تعلیم دختران نظر اندازیم، معلوم می‌شود که در این زمینه از نگاه کمیت پیشرفت وجود داشت. مثلاً شمار زنان بی‌سواد سال به سال کاهش می‌یافت، بر اساس احصائیات در سال ۱۳۸۸ در تمام افغانستان به تعداد ۳۱۲۰۰ مراکز سواد آموزی فعال بود، که در آن بیش از ۳۹۵ هزار شاگرد از ۸۸۶۰ معلم انات دانش می‌آموختند؛ مگر این شمارش بعد از شش سال در سال ۱۳۹۴ تقریباً به نصف پایین آمد و در تمام مملکت ۱۷۴۰۰ مراکز سواد آموزی فعال بود که به تعداد ۲۱۶ هزار دانش‌آموز دختر و ۴۲۰۰ معلم انات در آن حضور داشت. به همین ترتیب در بخش‌های تعلیم و تحصیل نیز همه ساله پیشرفت به نظر رسید. به اساس برخی احصائیه‌ها در سال ۱۳۸۸ در پوهنتون‌های خصوصی و دولتی به تعداد ۱۲۹۵۰ دختر توسط ۴۵۴ معلم انات آموزش می‌دیدند؛ این احصائیه‌ها در سال ۱۳۹۴ چند برابر افزایش را نشان می‌دهد که به ۶۳۹۷۴ شاگرد زن و ۱۶۱۴ معلم زن رسیده بود.

مشکلات امارت اسلامی در قبال تعلیم دختران

اول: اگر به دو دوره طالبان نظری اندازیم شکی وجود ندارد که در این دو دوره تعلیم و تحصیل دختران بخاطر سیاست‌های سخت با مشکلاتی مواجه شده است؛ ولی باز هم به شکلی از اشکال تعلیم دختران جریان دارد و بشکل کلی متوقف نشده بود. دختران که تا صنف ۶ اند خورد سن بوده حق تحصیل دارند ولی از آن ببعد که جوان میشوند حق تحصیل را در خارج از خانه ندارند. معنی می‌دهد که اکثر طالبان که از قریه و ده اند ۱۰۰ فیصد به رفتن دختران به مکتب و کار مخالفت نشان می‌دهند. در بعضی شهرها و قریه‌ها که مردم تعصب ندارند مکاتب الی صنف ۱۲ به گونه غیر قانونی مجاز است.

دوم: برسمیت نه شناختن طالبان یک کشیدگی بزرگ در افغانستان است. طالبان از وسیله‌های فشار میخواهند تا جامعه جهانی مجبور سازد تا آنها را برسمت بشناسند.

سوم: طالبان ترس دارند اینبار هم به شکلی از عاشیه دور نروند.

موخذ

۱. رقم دقیق نفوس معلوم گردید رادیو آزاد

<https://da.azadiradio.com/a/29819030.html>

۲. طالبان خواهان تمدن نیستند

<https://da.azadiradio.com/a/32194257.html>

۳. علم آموزی زن در اسلام

<https://hawzah.net/fa/Magazine/View/4210/4231/27771/%D8%B9%D9%84%D9%85-%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%DB%8C-%D8%B2%D9%86-%D8%A7%D8%B2-%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87-%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85>

۴. علم آموزی زن از دیدگاه قرآن

<http://fa.the-koran.org/content/%D8%B9%D9%84%D9%85-%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%DB%8C-%D8%B2%D9%86-%D8%A7%D8%B2-%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86>

۵. تاریخچه روش تدریس در مقاله سیر معارف در افغانستان نوشته بنده

<https://pajhwok.com/opinion/%D8%B3%DB%8C%D8%B1-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D9%81-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86>